

ایرانیان و اعراب در زبان‌شناسی و تکوین بلاغت عربی

دکتر سیداحمد حسینی کازرونی

استاد - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

سمیه آورند

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد بوشهر

هادی جاهد

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی - دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

چکیده

بلاغت زبان عربی در دوره نخستین شکل‌گیری، با تفکر ایرانی و در بستر لغات عربی صورت منسجم به خود گرفت. این مسأله در تمدن اسلامی با خدمت بی‌شائبه به زبان قرآن صورت پذیرفته است. در این حالت جایگاه ایرانیان در ساخت و پرداخت تمدن بلاغی در ایجاد وحدت رویه در شیوه تفکر و انسجام درون‌مایه‌ها شکل گرفته است. از این نظر مسلمانان غیرعربی این مسیر را از طریق پیوند لفظ و معنا دنبال نموده‌اند. در این مقاله بلاغت زبان عربی و تأثیر ایرانیان در شکل‌گیری سبک نقدپردازی نوین در زبان‌شناسی عربی با رویکرد نقد ادبی و کلام اسلامی بررسی شده است. نتیجه این بررسی دریافت تبادل متقابل ایرانیان و تمدن اسلامی در ارتباط با زبان عربی است، که زبان را در حالت وحدت و جدا از خصومت و قومیت‌گرایی به عرصه تبادل مضمونی و محتوایی وارد ساخته است. واژگان کلیدی: بلاغت، زبان، ایرانیان، عربی، تدوین، تکوین

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

مقدمه

بلاغت یکی از علوم زبان است، که به وسیله آن و در همراهی با نقد ادبی، به مقایسه زبان‌ها پرداخته می‌شود و کلام زیبا از زشت بازشناسی می‌گردد. در این بررسی، زیبایی‌ها بر عرب و عجم نمایان می‌شود. (فرید، ۱۹۸۰م: ۸۵، ۴۷) چنانکه بلاغت روح ادبیات را شکل داده است و ادبیات، ماده سازنده آن معرفی می‌نماید (الخولی، ۱۹۶۱م: ۱۸۴ تا ۱۹۰) ایرانیان توانسته‌اند با توسعه عوامل هویت فرهنگی و اندیشه ایرانی به زبان عربی میان آموزه‌های ایرانی و عربی در زمینه‌های مختلف زبانی و ادبی سازگاری ایجاد نمایند. در همین زمینه زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم جهان اسلام معرفی گردیده است. و از قرن دوم و سوم هجری زبان فارسی در کنار زبان عربی در جهان اسلام و عرصه‌های فرهنگی و تمدنی مطرح می‌گردد. تا جایی که در دو قرن دوم و سوم زبان‌آموزی جایگاه ویژه‌ای یافت؛ «زیرا زبان عربی زبان دنیای اسلام و زبان دین آن‌ها به شمار می‌رفت» (امین، ۱۳۵۱: ۳۵)

نقش ایرانیان در گسترش تمدن اسلامی روشن است و احمد مطلوب در این باره می‌گوید:

«این نقد ذوقی جهت شکل‌گیری قواعد و اصول سودمند برای ناقد ادبیات یا پدیدآور آن نیست و تنها به خاطر پنهان ماندن علت تفصیلی و روشی است که ناقدان در آن مسیر، به حرکت پرداخته‌اند؛ اما نقد و بلاغت گام‌های بلندی را در آغاز دولت عباسی پیموده است، این موضوع پس از سکونت عرب‌ها در سرزمین‌هایی که پرچم اسلام در آن‌ها برافراشته

شده و پس از ارتباط با دیگر اقوام و فرهنگ‌ها و ترجمه علوم مختلف از یونانی و سریانی و فارسی و دیگر زبان‌ها طبیعی است» (مطلوب، ۱۹۸۳، ص: ۱۳)

جاحظ در کتاب البیان و التبيين در جایگاه‌های مختلف، ادبیات را بهره‌مند از جوهر غیرعربی دانسته و اختلاف دیدگاه ایرانیان و یونانیان و هندیان و رومیان را یادآوری می‌نماید؛ به این ترتیب که در دیدگاه وی هندیان بلاغت را فرصت‌طلبی و دلالت روشن و رومیان علم بلاغت را بدیهه‌گویی و حسن انتخاب کلام بلند و یونانیان در تقسیم‌بندی و انتخاب کلام بلاغت دان می‌داند؛ در حالی که در دیدگاه جاحظ، بلاغت شناخت فصل و وصل در کلام است؛ به این گونه که موضع اتصال و انقطاع کلام را به خوبی درمی‌یابند (جاحظ، ج ۱، ۸۸: ۱۹۶۸)

در دوره‌های گوناگون زندگی انسان‌ها به دلیل ماهیت زندگی جمعی انسانی، نیاز به ارتباط با دیگران، اهمیت سخنوری و خطابه سرایی را در زبان به عنوان وسیله قدرت‌نمایی در کلام مورد توجه افراد بشر قرار داده است؛ در این میان، دو تمدن فارسی و عربی در سایه پیوند فرهنگی دیرینه، با یکدیگر در دوره‌های طولانی تمدنی ارتباط گسترده‌ای داشته‌اند. از آنجاکه زبان عربی در طول چهارده قرن تفکر اسلامی را در دل جای داده است. روشن است که ارتباط از طریق بلاغت زبانی، انسجام بیشتری را در کلام به وجود آورده است.

تاریخ بلاغت و بررسی مراحل پیشرفت این علم بر ما روشن می‌سازد ایرانیان و یونانیان و هندی‌ها سهم بسیاری در پیدایش بلاغت عربی داشته‌اند. و این مسئله با وجود لغت شناسان و دستورشناسان نخستین مانند خلیل ابن احمد و سیبویه و أصمعی و ابو عبیده و فرّاء روشن می‌گردد. (مطلوب ۱۹۸۳: ۹)

با بیان این مقدمه به راستی سایر ملت‌ها را در زمینه بلاغت عربی چگونه می‌یابیم! آیا تأثیرگذاری بلاغت ایرانیان و راه‌یابی بلاغت فارسی به زبان عربی در صورت اثبات می‌تواند جلوه‌ای از قدرت‌نمایی ایرانیان باشد! راهبرد ما برای بهبود کیفیت ارتباط بلاغت زبان فارسی و عربی چیست؟ همه این پرسش‌ها در نگاه به جلوه اتحاد زبانی واکاوی و به‌تمامی آن‌ها پاسخ خواهیم داد.

فرضیات تحقیق

۱- با توجه به تعامل تاریخی و فرهنگی ارتباط‌های دو زبان عربی و فارسی نگاه به بلاغت با رویکرد غیر اسلامی و در بستر درگیری‌های زبانی به وجود آمده است و به‌مرور زمان باعث دوری از انعطاف‌پذیری در فراگیری بلاغت زبان عربی گردیده است.

۲- پیوندهای میان دو زبان فارسی و عربی در عرصه بلاغت در رویکرد بلاغت دانان ایرانی که در زبان و ادبیات قدیم به زبان عربی پرداخته‌اند شاهد بر این ادعا است.

هدف تحقیق

با نزول قرآن کریم تحولی در زبان عربی و به دنبال آن در شیوه بیان عربی به وجود آمد. بلاغت عربی در جامعه‌ای که رویکرد شعر و شعرپردازی راه تکامل خود را در طول سالیان پیموده بود به ایجاد وحدت بلاغی در همسرایی بلاغت دانان عربی و ایرانی در تدوین علم بلاغت در سایه اسلام، انجامید. و جلوه‌ای از اتحاد زبانی یافت. از همین روی این مقاله بر آن است تعالیم بلاغی را با نگرشی توصیفی و تحلیلی باهدف تعامل دو ادبیات فارسی و عربی به کار ببندند. در نتیجه تبیین تعامل بلاغت عربی در سایه اندیشه واحد اسلامی موجب ارتقای کیفیت آموزش فراگیر بلاغت در دو زبان عربی و فارسی در عرصه‌های مختلف آموزشی و پژوهشی می‌باشد.

روش تحقیق

نگارندگان با دقت در پژوهش‌های انجام‌یافته با شیوه توصیفی-تحلیلی، نمود اندیشه‌های بلاغی را در زبان عربی دریافت کرده و چگونگی ارتباط‌های متقابل ادبیات فارسی و عربی را از دیدگاه بلاغی مورد نقد و تحلیل قرار دهد.

پیشینه تحقیق

در زمینه‌ی تحقیقات انجام پذیرفته در این زمینه می‌توانیم ادبیات عربی و فارسی را به دلیل اهمیت انتقال اندیشه‌های بلاغی در بستر واحد زبان عربی مشترک و دارای ریشه‌ای نیرومند بدانیم. اما نگاه به بلاغت از دیدگاه تطبیقی و پیاده‌سازی تفکرات مشترک در ایجاد ارتباط تنگاتنگ زبانی، مورد توجه قرار نگرفته است. در زمینه بلاغت زبان فارسی بر عربی پژوهش‌های تطبیقی بسیاری صورت پذیرفته است. از جمله: مقاله: تدوین علم بلاغت عربی و اثر دانشمندان ایرانی در آن، صلاح‌الدین منجد، ترجمه: محمد غفرانی، مجله مقالات و بررسی‌ها، ۱۳۴۹ش.

در این مقاله به تأثیرگذاری ایرانیان بر بلاغت زبان عربی با تکیه بر فضیلت عرب‌ها در برشماری آثار جاحظ و عتابی پرداخته شده است و ایرانیان را در این علم پیشگام دانسته است و در نهایت ابن قتیبه، جاحظ و ابو‌هلال عسکری و جرجانی را از واضعان بلاغت می‌شمارد اما به فضیلت و برتری جاحظ اشاره داشته و او را پیشگام می‌داند. مقاله: نقش ایرانیان در زبان، ادب و بلاغت عربی، اکبر شعبانی، مجله مطالعات اسلامی، ۱۳۷۸ش. نویسنده در این مقاله با تکیه بر روند تاریخی از لخمیان در دوره جاهلیت تا ابن مقفع و ادبیات دوره عباسی را بررسی کرده و به ارائه دستاوردهای ایرانی و ارائه دیدگاه پیرامون کلیله و دمنه و دیگر آثار اثرگذار بر ادبیات عربی پرداخته است. و آثار غنی در ادبیات عربی را محصول دوری تعصب از جانب ایرانیان دانسته است جنبه نوآوری: مقاله حاضر با رویکرد تأثیرپذیری لغوی و منطقی و مفهوم‌سازی از جانب ایرانیان در کنار عرب‌ها در روند شکل‌گیری تکوین و تدوین بلاغت عربی با الگوی نقد می‌پردازد.

۱- تأثیر دوجانبه بلاغت‌فارسی و عربی، پس از اسلام

ملت‌های مختلف از جمله ایرانیان در طول دوره شکل‌گیری بلاغت به‌عنوان یک علم به بررسی و تدوین و نگارش همت داشته‌اند و شناخت زبان عربی را از طریق شناخت مواضع وصل و فصل و دقت در الفاظ و عبارت‌ها و کلام ملفوظ عربی دنبال می‌کرده‌اند (الجاحظ، ۱۹۶۸م: ۸۸ و به احتمال زیاد یونانیان نخستین پیشگامان در تدوین بلاغت و بررسی مسائل سخنوری بوده‌اند. و ارسطو در موضوعات مختلف مانند مجاز و تشبیه و استعاره به تدوین نظریات اولیه همت داشته است. اگرچه همت ایرانیان و مسلمانان در افزایش ثروت لغوی از طریق اهتمام به قرآن کریم کمتر از منطق‌دانان یونانی نبوده است. این‌گونه است که بایست بلاغت زبان عربی را حاصل فهم و سبک‌شناسی قرآن کریم بدانیم ابو‌هلال عسکری در این زمینه درباره بلاغت بر این اعتقاد است که «شایسته‌ترین و برترین علوم پس از شناخت خداوند متعال علم بلاغت و شناخت فصاحت است که به وسیله آن، اعجاز کتاب الله تعالی شناخته می‌شود.. و دانسته‌ایم زمانی که انسان از علم بلاغت غفلت بورزد و در شناخت فصاحت کاستی به وجود آید به اعجاز قرآن کریم آن‌چنان‌که شایسته حسن تألیف و شیوایی ترکیب است؛ تسلط نمی‌یابد.. بنابراین از این جهت شایسته است این علم را پس از توحید و شناخت

خداوند و شناخت عدل و تصدیق وعده و وعید بر دیگر علوم به شیوه اقتباس ارائه نماید.» (ابوهلال العسکری، ۱۹۵۲م: ۲،۳)

بنابراین هدف بلاغت نزد بیشتر بلاغت‌دانان زبان عربی شناخت جنبه اعجاز قرآن کریم بوده است. اگرچه این هدف دینی را بایست محض بدانیم اما خدمت به قرآن کریم و رسوخ تفکر دینی در ذهن مردم را می‌توانیم جنبه‌ای از نقد ادبی و توجه به شیوه آموزش علوم اسلامی با رویکرد دقت در متون اسلامی به حساب بیاوریم. این مسئله لزوم پرداخت به شعر و نثر در سایه بلاغت با محوریت اعجاز قرآن کریم را در زبان عربی سازمان می‌بخشید.

۱-۱ بلاغت عربی در قرآن کریم

ملت‌ها در پی تدوین قوانین بلاغت از دوره نخست با دقت در موضوعات بلاغی به پژوهش و بررسی موضوعات بلاغی پرداخته‌اند. همان‌گونه که ارسطو در کتاب «فن شعر» به مباحث استعاره و خبر و تشبیه و دیگر صنایع پرداخته است. دیگر ملت‌ها نیز با ظهور اسلام و با افزایش ثروت لغوی و با تکیه بر تمدن ادبی، به بلاغت زبان توجه پیدا کرده‌اند. آنچه در این مسیر به پژوهش‌ها انسجام و وحدت رویه پژوهشی می‌بخشد، شناخت قرآن کریم از جهت زبانی و تلاش غیرعربی زبانان در آموختن زبان عربی و تکیه بر فهم سبک نگارشی بوده است.

بلاغت در قرآن کریم با نغمه و صوت و آوا در ذهن نقش می‌بندد و علمای بزرگ مانند خطابی و رمانی و باقلانی و عبدالقاهر جرجانی به برخی از پدیده‌های بلاغی اشاره کرده‌اند اما به تفسیر و توضیح نشانه‌های آن نپرداخته‌اند؛ در حالی که به ثبت جناس و سجع و طباق و مقابله و مراعات نظیر و دیگر پدیده‌های پیرداخته‌اند که توازن صوتی در اسلوب‌ها را ایجاد می‌کنند. (شادی، ۱۹۸۸م: ۹۰) بلاغت در کنار نقد دو مسیر درهم آمیخته با هدف شناخت سبک نگارشی و کیفیت سنجی در متون منظوم و منثور زبان عربی بوده‌اند؛ زیرا که بلاغت با نقد ادبی تفاوت چندانی نداشته است و تنها در شیوه ارائه مطالب و پرداخت به جملات و کلمات و عبارات تفاوت داشته است و چنانچه در این دو علم دقت داشته باشیم؛ موضوع این دو علم را به صورت واحد، ادبیات و کلام ادبی می‌یابیم. (شایب، ۱۹۵۳م، ۱۱۶) بنابراین زبان عربی در طول قرون متمادی ارتباط تنگاتنگ با اصول اولیه زبان را حفظ کرده است اما با وجود پیشرفت بسیار زیادی که پس از نزول قرآن کریم در تمدن اسلامی به وقوع پیوسته است؛ این زبان انسجام اصول اولیه خود را حفظ کرده و به صورت لغت واحد در میان لهجه‌ها به ارائه ماهیت لغوی می‌پردازد (العقاد، ۱۹۶۰م: ۶۰)

www.anjomanfarsi.ir

۲- تأثیر بلاغت زبان فارسی بر زبان عربی

ایرانیان با پذیرش اسلام تأثیر زیادی بر بلاغت عربی داشتند؛ تدوین تمدن عربی با قلم و نگارش متون ارزشمند با ترجمه و مفهوم‌سازی در زبان عربی همراه گردید. و معارف و دانسته‌ها در قالب زبان عربی دسترس مسلمانان قرار می‌گرفت. بنابراین بلاغت عربی همگام با نقد ادبی دو مسیر مهم را در فهم سبک‌شناسی متون منظوم و منثور ادبیات عربی را به دست گرفتو نه تنها متن مورد سنجش و ارزیابی قرار داشت بلکه نقطه اختلاف میان نقد ادبی و بلاغت عربی، شیوه نگاه و زاویه دید متفاوت به متن و دقت در سبک بیان گردید؛ اگرچه هر دو جنبه نقد و بلاغت به کلام ادبی توجه ویژه داشتند. (الشایب، ۱۹۵۳م، ۱۱۶)

این مسئله که همگامی نقد ادبی و کلام در قالب بلاغت عربی است به عرصه‌ای مناسب در خلق معانی جدید در زبان عربی انجامید و در این عرصه ایرانیان با استفاده از خلاقیت در ترکیب کلمات و اشتقاق لغات به مفهوم‌سازی و معنا سازی در عرصه زبان‌شناسی دست یافتند. و شروع راه‌یابی بلاغت زبانی از زبان فارسی به عربی اگرچه در لایه‌های

نهفته زبانی پوشیده مانده باشد؛ اما وجود ایرانیان عربی نویس در عرصه‌های زبان‌شناسی و بلاغت زبان عربی شهادی بر تأثیرگذاری عناصر لغوی و آوایی زبان فارسی بر زبان عربی است.

۱-۲ وضع اصطلاحات فارسی در بلاغت زبان عربی

«کلمات راه‌یافته به زبان عربی از لغات اعجمی از مهم‌ترین پدیده‌هایی است که از زمان قدیم بر زبان عربی واقع شده است که دانشمندان لغت به آن توجه زیادی داشته‌اند و فرهنگ نویسان مانند ابن درید و زهری و جوهری و صغانی و ابن منظور و دیگران در کتاب‌های خود این کلمات را وارد ساخته‌اند... همچنین معجم نویسان و دیگر لغت‌شناسان این گروه از کلمات را از دیگر ناحیه‌ها مطالعه کرده‌اند و قوانینی را برای شناخت آن‌ها و احکامی را برای موافق نطق و ساختار عربی ساختن آن‌ها وضع کرده‌اند.» (الجوالیقی، ۱۹۹۰م: ۵) از جمله زمینه‌های تأثیرگذاری زبان فارسی بر تمدن عربی دقت در دلالت‌ها و الفاظ زبانی است. این مسئله از دوره جاهلیت با ارتباط میان تمدن حیره و ایرانیان به نقطه آغاز دست‌یافت. در این زمینه ارتباط ایرانیان با عرب‌ها به ایجاد تأثیرگذاری در بافت زبانی انجامید تا آنجا که اقتباس از شیوه اصطلاح‌یابی و اصطلاح‌سازی در الفاظ زبان عربی مشاهده می‌شود. و در این زمینه اخذ و اقتباس از الفاظ زبان فارسی گواهی روشن در تأثیرپذیری از شیوه ترکیب و بهره‌گیری از این الفاظ در اشتقاق کلمات عربی است. در این مسیر زبان فارسی در دسترس‌ترین منبع لغوی و آوایی بوده است که عربی‌زبانان و ایرانیان با استفاده از الفاظ آن، آنچه را نیازمند آن بودند، به اخذ و اقتباس آوایی و ساختاری از این الفاظ پرداخته‌اند. از جمله این الفاظ در تمدن عربی است:

«الکوز، الجرّه، الایریق، الطست، الخوان، الطبق، القصه، الخز، الدیاج، السندس، الیاقوت، البلور، الکعک، الفالودج، اللوزج، الغفل، الزنجیل، القرفه، الزجس، النسرین، العنبر، الکافور، الصندل، القرنفل، البستان، الارجوان، السراویل، الاستبرق، التتور، الجوز، اللوز، الدولاب، المیزان، الزئبق، الباشق، الجاموس، الطیلسان، المغنطیس، المارستان، الصکک، صنجه المیزان، الصولجان، الکوسج، نوافج المسک، الفرسخ، البند، الزمرد، الأجر، الجوهر، السکر، الطنبور...» (زیدان، ۱۴۱۶: ۵۳۸)

۲-۲ پیدایش بلاغت زبان عربی

زبان عربی در ارتباط با عناصر غیرعربی خصوصیات عقلانی و نفسانی دیگر لغات را مدت‌های طولانی به دوش کشیده است. بررسی الفاظ و مفردات از جهت واقعیت و مجاز در لغات، در دوره‌های مختلف زبانی، دلیل روشن بر این تغییرات ملموس می‌باشد. (العقاد، ۱۹۶۰م: ۶۰)

قدمت زبان عربی و استمرار لغات در این زبان به پیچیدگی در فهم تمدن عربی انجامید؛ زیرا که شیوه متفاوت بیان و تعبیر از جانب کاربران زبان عربی و درعین حال شکاف میان تمدن گذشته و تمدن جدیدتر، تغییرات بنیادین را در شیوه بیان الفاظ سبب می‌گردید. این مسئله که از ویژگی‌های بارز در زبان عربی است؛ بر اساس تغییرات حاصل شده در دلالت‌ها و ارتباط تنگاتنگ میان نسل‌های مختلف عربی نمایان می‌گردد. (المبارک، ۱۹۶۰م: ۱۷)

این تغییرات حاصل از درهم‌آمیختگی زبان عربی با زبان بیگانگان در آوا و صوت صورت پذیرفت زیرا که آوا و صوت در طول قرون متمادی در زبان عربی ثابت مانده است و آنچه در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرد لغات و ساختار زبان عربی است. (الصالح، ۱۹۶۰م: ۳۱۸)

صفات حروف در زبان عربی به توزیع صفات و خروج این صفات از مخرج لب و انتهای حلق می‌انجامد. و ما با دقت در حروف، فاء و باء و واو ساکن را از مخرج لب و حروف حاء و هاء و عین و همزه و غین و خاء را به ترتیب از انتهای

حلق به سمت بیرون حفره دهانی می‌یابیم. و چه بسا در دیگر زبان‌ها حروف دیگری را بیابیم که دارای صورت منظم در آوا باشد اما حسن توزیع حروف در زبان عربی منحصر به فرد است. (المبارک، ۱۹۶۰م: ۱۶)

و از دیگر خصوصیات زبان عربی از جهت الفاظ، حرکت پذیری حرف نخست در لغات می‌باشد؛ زیرا که عرب‌ها نسبت به أخذ الفاظ عجمی دقت داشته‌اند؛ بنابراین با متحرک ساختن اسمو اعراب پذیر کردن، همزه را در ابتدای تمامی کلمات قرار داده‌اند و این مسئله تنها در زبان عربی به وقوع می‌پیوندد. (بن فارس، ۱۹۶۴م: ۱۰۰)

بنابراین زبان عربی از جهت زیبایی و ترکیب و استحکام اصول اولیه با هیچ زبانی قابلیت مقایسه ندارد و برتر از تمامی زبان‌ها است. (الکرملی، ۱۹۳۸م: ۱)

۲-۳ پیوند اعراب و ایرانیان در سایه اسلام

پیوند میان تمدن عربی و ایرانی به جهت ماهیت مختلف فرهنگی و دیدگاهی و اختلاف جغرافیایی دور از ذهن به نظر می‌رسید. این مسئله در روزگار حکومت پادشاهی ساسانیان در دیدگاه پادشاهان ساسانی به باور غالب تبدیل شده بود (العاکوب، ۱۳۷۴: ۱) تا آنجا که واقعیت ملموس آن زمان محیط خشک و بی‌آب و علف شبه جزیره العرب را شایسته پیوند سیاسی و فرهنگی نمی‌ساخت.

اما چنانچه به دوره اسلامی نگاهی دقیق‌تر داشته باشیم رویکرد شناخت اسلام و ایجاد پیوند و احساس رقابت در داستان‌ها و افسانه‌ها و واقعیت به مسئله‌ای آگاهانه و در دسترس تبدیل شده است. این روابط نزدیک فرهنگی و اعتقادی عاطفه هر دو ملت را به خود مشغول داشته است تا آنجا که مورخان را درباره پیوند خویشاوندی و اعتقادی و تفکری با یقین همراه ساخته است. (العاکوب، ۱۳۷۴: ۱)

پیش از ورود به درهم آمیختگی مباحث ظاهری و باطن اسلام، شاهد شناخت غیرمشترک در تفسیر مبانی هستیم. اگرچه این درهم آمیختگی فرهنگی میان ایرانیان و اعراب به تدریج مسیر آرامش آگاهانه را پیمود. اما پیامبر اسلام دعوت به اصول همگانی را مورد دقت نظر قرار داده است و همگان مسلک واحدی را در مسیر الهی پذیرفته‌اند. «اما همین‌که آن شور و جوشش نخستین رو به آرامش نهاد و مصالح دنیایی بر ایمان قلبی سیطره یافت،... به شیوه گذشته بازمی‌گردد و همان حال تعصب جاهلیت و جدایی و پراکندگی دیگر بار احیا می‌شود.» (آشتیانی، ۱۳۸۴: ۳۲۴)

پیامبر اکرم (ص) انسان‌ها را به اتحاد فرامی‌خواند و با زبان صلاح و دوستی مردم را از درگیری‌های بازداشته است. این تفکر ارزشمند را از آموزه‌های اسلامی استخراج کرده و به انسان‌ها مسیر حقیقی را نمایان می‌سازد. «و رسیده است که از آن‌ها کسانی گمان کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه و اله وسلم به فارسی سخن گفته است؛ و در میان عجم‌ها دو حدیث مشهور شده است: نخستین آن این گفته وی که گمان کرده‌اند: «إن جابراً صنع لکم سور: أی ضیافه: جابر برای شما مهمانی ساخته است و دوم این گفته وی: العنب دو دو و التمر یک: به این معنی که در خوردن انگور دوتا دوتا و خرما یک. و دانشمندان ثابت کرده‌اند که این اصالت ندارد، و تنها به عصبیتی بازمی‌گردد که باعث می‌شده است در تحریف عربی دستاویز لغوی داشته باشند. (الرافعی، ۲۰۰۱م: ۱۶۲)

۳- مکتب ادبی

با توسعه دایره لغوی در زبان و ادبیات عربی در دوره عباسی، اصول اولیه حرکت به سمت دلالت‌های لفظی و معنوی سمت و سوی نقدگونه یافت. در این مسیر ارتباط ناقدان با ادبیات عربی پرچم اسلام را در میان فرهنگ‌ها و اقوام مختلف برافراشت. در این حالت بود که ترجمه علوم مختلف از زبان یونانی و سریانی و فارسی و دیگر زبان‌ها به تحول

جنبه‌های بلاغی انجامید. این حرکت بلاغی تا قرن چهارم هجری مسائل بلاغی در سایه نقد متون دستوری و بلاغی ریشه تفسیری یافت.

تألیف کتب مختلف در این دوره از جمله مظاهر توسعه علوم لغوی و پیوند بلاغت و زبان‌شناسی است. دو کتاب «اسرار البلاغه» و «دلایل الإعجاز» عبدالقاهر جرجانی با شیوه نقد ادبی به مباحث بلاغی پرداخت و مباحث استعاره و تشبیه و جناس و فصل و وصل به صورت متفاوت مورد ارزیابی قرار گرفت. این کتاب پس از عبدالقاهر جرجانی بارها شرح و خلاصه گردید؛ اما از جهت شیوه پرداخت به مباحث بلاغی دو مکتب مشخص در مسیر نقد ادبی ظهور یافت. گروهی گرایش ادبی یافته و بلاغت را از جنبه ادبی نگرستند و گروهی دیگر با شیوه فلسفی و عقلانی به مباحث بلاغی پرداختند. این دو مکتب در قالب مکتب ادبی و مکتب کلامی در بلاغت به وجود آمد. (مطلوب، ۱۹۷۸م: ۱۳)

جلال‌الدین سیوطی این دو مکتب را با نام شیوه بلاغت پرداززی عربی و شیوه فیلسوفان عجم تسیم کرده است. (السیوطی، ج ۱، ۱۹۲۹م: ۱۹۰)

بلاغت دانان در مکتب ادبی به مسائل ادبیات از جهت لفظ و معنا توجه داشته‌اند. از جمله جاحظ که در کتاب «البیان و التبيين» و «الحيوان» مسائل بلاغی را به صورت کلامی در ادبیات مطرح می‌کند. جاحظ به عنوان نماینده متکلمان معتزله توانسته است احساس هنری خود را به سمت بافت گذشته ادبی به صورت تحلیلی پیش براند. این در حالی است که در همین دوره بسیاری از ادیبان به صنایع بدیعی و ترکیب ظاهری کلام توجه داشته‌اند و از دریافت نکته‌های ادبی در کلام غفلت داشته‌اند.

دریافت مباحث نقدی و بلاغی در روح ادبیات کتاب «الصناعتین» ابوهلال عسگری به صورت سلوک در شعر و نثر با محوریت کلام مطرح می‌گردد. (العسکری، ۱۹۵۲م: ۹) در این کتاب بر اساس مکتب متکلمان در ادبیات به نقد و باغت پرداخته می‌شود تا به روح ادبیات راه بیابد. این شیوه در حرکت شاعران و نویسندگان وجود داشته است.

۳-۱ مکتب کلامی

فیلسوفان با استفاده از علم کلام تأثیر شگرفی بر تفکر در ادبیات اسلامی دوره عباسی گذاشتند. این تأثیرگذاری به جنبش علمی در سایه حمایت خلفا و بزرگان زمانه انجامید و به نهضت ترجمه با دستاورد زبان‌های بیگانه منجر گردید؛ بنابراین تمامی علوم ادبی - اسلامی در سایه زبان عربی تأثیری از فلسفه و کلام را تجربه کرد. بلاغت نیز در این میدان در کنار فلسفه و منطق و در ارتباط با متفکران گذشته به پیشرفت سبک‌شناسانه دست یافت و با گذر زمان و از قرن ششم هجری و پس از آن، به وسیله سکاکی و متفکران پس از وی این نهضت تحول عظیمی را به دست آورد. (مطلوب، ۱۹۷۸م: ۱۵)

و چنانچه نگاهی عمیق به تاریخ بلاغت و آمیختگی این علم با فلسفه داشته باشیم، تأثیرگذاری منطق و کلام و فلسفه را بر پیدایش علم بلاغت و پیشرفت مطالعات را عمیق می‌یابیم. (الخولی، ۱۹۶۱م، ۱۴۹)

از مهم‌ترین خصوصیات مکتب کلامی در بلاغت عربی توجه به تقسیم‌بندی‌های منطقی و ارائه تعریف دقیق در مباحث بلاغی است. این مکتب با ورود الفاظ و اصطلاحات و تفکر منطقی و فلسفی در مطالعات به تقسیم‌بندی‌ها صورت منطقی و هدفمند بخشیدند.

۳-۱-۱ تقسیم‌بندی در بلاغت عربی

بلاغت دانان عربی بسیاری از گفتارها و مباحث را از جمله وضع الفاظ و دلالت‌های عقلی و وضعی باهدف تبیین فصاحت و بلاغت به علوم بلاغی افزودند و از این طریق ملکه بلاغت را در حد اعلائی خود به بیان صحیح و دقیق

رسانیدند. (سعید، ۱۹۵۱: ۷۸ تا ۸۹) با این چارچوب‌ها و دقت در الفاظ و دلالت‌ها، مباحث الهی و پژوهش پیرامون طبیعت و انسان و مباحث رنگ و بو و طعم و حواس پنج‌گانه جزئی از مباحث مهم بلاغت گردید و پیوند میان علوم عقلی و تفکر درباره محیط پیرامون از طریق پرسش‌انگیزی‌ها بلاغت‌دانان را به عرصه جدیدی از تفکرات عقلی وارد ساخت.

دانشمندان لغت‌شناس با واکاوی علوم بلاغی به پژوهش و تعیین و ثبت قواعد اعتباری از ناحیه عقل دست یافتند و از این طریق روح بلاغت از حالت تفکر روان و نامحدود به قالب خشک و بی‌تحرکت تبدیل گردید. با تبیین این مسیر، بلاغت، هدف فنی و هنری خود را از مسیر احساسات و عاطفه به راه عقل و منطق کشانید و ادبیات به معنای ذوق سلیم و احساس هنری از آثار بلاغی رخت بریست.

این مکتب با خصوصیات کلامی در شرق دولت اسلامی در دوره اسلامی شایع گردید و از طریق درهم‌آمیختگی تفکر ایرانیان و اقوام ترک و عرب و یونان و روم و دیگر اقوام در خوارزم و دیگر مناطق شرقی به سرعت انتشار یافت. جارالله زمخشری صاحب تفسیر «کشاف» و سکاکی (۶۲۶) صاحب کتاب «مفاتیح العلوم» و سعدالدین تفتازانی صاحب تلخیص مفتاح‌العلوم خطیب قزوینی (۷۹۲هـ) کسانی بودند که توانستند پس از عبدالقاهر جرجانی در علم بلاغت به مرحله شرح و خلاصه‌نویسی دست بیابند و این مسیر را به صورت کلامی دنبال کنند.

۲-۳ مکتب ادبی و دستاوردها

عوامل متعدد محیطی و غیر محیطی از جمله وجود زبان‌های مختلف و جهت‌گیری‌های اعتقادی و مذهبی و درگیری‌های سیاسی و منصبی در پیدایش بلاغت عربی و پیشرفت این علم تأثیرگذار بوده‌اند. از جمله مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر این پیدایش وجود قرآن کریم و ذقت افراد و اندیشمندان بر زوایای مختلف این متن مقدس بود. وجود خصوصیات ادبی در قرآن کریم روحیه ادبی و ذوق سلیم متفکران بلاغت عربی را برمی‌انگیخت و متفکران با استفاده از ادبیات و گستره الگوبرداری از اقیانوس قرآن کریم به تأثیرپذیری از جنبه‌های مختلف قرآن کریم در کاربردی ساختن علوم بلاغی نیز می‌پرداختند.

شعر به وسیله‌ای به اوج خود رسید و در دوره عباسی روایت شعر از پیشینیان به‌ویژه ادبیات پیش از اسلام از حالت شفاهی و نقل سینه‌به‌سینه به کتابت و تحلیل متون مکتوب در کنار مباحث شفاهی رسید. اما آنچه در بررسی شعر اهمیت می‌یابد سبک‌شناسی روایت شعر است که تنها به اشعار غریب و نادر استناد می‌شود و اصمعی ادیبی است که تنها به اشعار نادر عربی آگاهی داشت؛ همان‌گونه که اخفش تنها به اعراب ظاهری الفاظ راه می‌یافت و تحلیل متون نحوی را چنان‌که شایسته پراهیابی به ادراک است دریافت نمی‌کرد. و ابو عبیده تنها یک اخباری زبردست در زمانه خود بود و از طریق آگاهی به جنگ‌های عرب و نسب‌شناسی به مباحث احاطه می‌یافت (ابن رشیق، ج ۲، ۱۹۵۵ م: ۱۰۶)

شاعران در مکتب ادبی بلاغت نقش بسزایی را ایفا کرده‌اند و سنگ بنای اولیه بلاغت به وسیله شعر استحکام یافت و این ویژگی‌ها که برگرفته از قرآن کریم بلاغت شعر شاعران بود؛ توانست در برابر مکتب کلامی به‌دور از تقسیم‌بندی‌های خارج از محتوا سازبو با رویکردی دور از اصول منطقی شکل بگیرد. (الخولی، ۱۹۵۲ م: ۹۳)

تقسیم اولیه بلاغت به معانی و بیان و بدیع بی‌پایه است و لازم است در بلاغت از کلمه و جمله و قطعه‌ها پژوهش صورت پذیرد و در این حالت است که دریافت مفاهیم و معانی عمیق میسر می‌شود و چنانکه ایرانیان و یونانیان و رومیان و فیلسوفان این دیدگاه را در مباحث بلاغت رها کرده‌اند و تنها با نگاه فلسفی و منطقی به متن‌هایی نگردند و لازم است با بازگشت به احساسات و زیبایی‌شناسی و بیان شیوا مطالعات هنری دیگر بار ظهور بیابد و لازم می‌نماید که با نگاه روان‌شناسانه به متون ادبی با نیروی خیال و شعور احساس و ذوق به کارهای ادبی پرداخته شود و در این حالت است که

تمدن بلاغی با نگاهی نوآورانه دوباره ماهیت صحیح خود را به دست می‌آورد. اما باید به یاد داشته باشیم که نگاه جدید به بلاغت به معنای ویرانی و نابودی تمدن بلاغی قدیم ادبی نیست بلکه نگاهی جدید به ساختار تمدن قدیم عربی است. (الخولی، ۱۹۵۲ م: ۲۱۵ تا ۲۲۰)

این گروه به اقتباس‌های منطقی توجه نداشتند و فلسفه را دارای اعتبار زیادی به حساب نمی‌آوردند؛ بلکه در مراجعه به الفاظ، مفاهیم را بررسی می‌کردند. ضیاء‌الدین ابن اثیر از جمله ارکان این مکتب بلاغی است که در حمله به آراء و افکار ابن سینا و فارابی و ارسطو و افلاطون، افکار آن‌ها را خطا می‌داند و معانی خطاب منطقدانان و فیلسوفان را دارای حصر کلی می‌داند؛ به صورتی که جزئیات را دریافت نکرده‌اند و جزئیات را در نمی‌یابند. بنابراین از دیدگاه ابن اثیر بادیه‌نشینان عربی با شترچرانی شعر را سحر حلال دانسته‌اند و نثر را نیز از ناحیه عقل نمی‌دانند. (ابن الاثیر، ۱۹۳۹ م، ج ۱: ۳۱۰)

۳-۳ مکتب کلامی و دستاوردها

از اوج دوره نهضت بلاغی در زبان و ادبیات عربی شاهد حضور اندیشمندان عربی در عرصه‌های مختلف ادبی بوده‌ایم. وجود مراحل پیشرفت از تدوین تا تحلیل عمیق متون و پیدایش الگوها در همین زبان رقم خورده است. بنابراین از اوایل قرن چهارم هجری تا دوره کنونی ما، بلاغت عربی نیز تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی و تفکری، رنگ‌ها و حالت‌های متفاوتی به خود گرفته است. این تغییر حالت‌ها در دستاوردهای آمیخته به کلام اسلامی مشاهده می‌شود. وجود شعر و نثر و تحلیل متون بر اساس متون شعری باهدف دریافت مبانی و معانی قرآنی و اسلامی در این آثار مشهود است. مهم‌ترین دستاوردهای مکتب کلامی بلاغت عربی را از ابتدا به صورت سرفصل پدیدآورندگان شاخص چنین است:

- ۱- نقد الشعر اثر قدامه بن جعفر (۳۳۷هـ) ۲- نقد النثر اثر قدامه بن جعفر (۳۳۷هـ) ۳- دلائل الإعجاز اثر عبدالقاهر جرجانی (۴۷۱هـ) ۴- الإیجاز فی درایه الإعجاز اثر فخر الدین رازی (۶۰۶هـ) ۵- مفتاح العلوم اثر سکاکی (۶۲۶هـ) ۶- المصباح فی إختصار المفتاح اثر بدرالدین بن مالک (۶۸۶هـ) ۷- تلخیص المفتاح اثر خطیب قزوینی (۷۳۹هـ) ۸- الإیضاح اثر جلال الدین خطیب قزوینی (۷۳۹هـ) ۹- عروس الأفراح فی شرح تلخیص المفتاح اثر بهاء الدین سبکی (۷۷۳هـ) ۱۰- المطول علی التلخیص اثر سعد الدین تفتازانی (۷۹۲هـ) ۱۱- مواهب المفتاح فی شرح تلخیص المفتاح اثر ابن یعقوب مغربی (۱۱۱۰هـ)

چنانچه از نام کتاب‌ها نمایان می‌شود نگاه ابزاری به بلاغت زبان عربی بسیاری از اندیشمندان بلاغت را از دریافت مسیر صحیح بلاغت که راه‌یابی به معانی و شیوه تفکر است دور ساخته و تنها به جنبه علم آلی و ابزاری بودن این علوم دقت گردیده است و تنها کسانی در این علم سرآمد شده‌اند که توانایی دریافت معانی لغوی و الفاظ و دلالت‌ها را به صورت تحلیل متن دریافت کرده‌اند. این مسئله در دلائل الإعجاز و الإیضاح و المطول علی التلخیص به سطح ادراکی این سه اندیشمند و اندیشمندان مشابه، به دلیل دقت در الفاظ و لغت‌شناسی در کنار تفکر منطقی ارتباط می‌یابد. بنابراین جمع میان این دو جنبه به تحول در عرصه بدلالت‌ها و برداشت متن در آثار پاره‌ای از اندیشمندان عرصه بلاغت عربی منجر گردیده است. بنابراین در نقطه مقابل مکتب ادبی که شاعرانو شعر و شاعری جایگاه اساسی می‌یافت؛ در این مکتب منطق و فلسفه جایگاه ویژه‌ای در تحلیل‌ها دارد.

۴- بلاغیدانان ایرانی و وحدت اسلامی

علم معانی در بلاغت عربی یک از اساسی‌ترین ارکان راه‌یابی به معناشناسی است در حالی که ترتیب و باب بندی موضوعات بلاغی در زبان عربی و در میان بلاغیدانان قدیم بیشتر از آنکه به معانی برخاسته از لغت عربی پردازد، تقسیم‌هایی منطقی و شخصی را دنبال کرده است. و دانشمندان بلاغت شناس این مسئله را در مطالعات خود پیگیری

کرده و با دنباله‌روی از انحصار عقلی از باب بندی‌های متناسب با محتوا و حقیقت درونی الفاظ و جملات و عبارات‌ها و فضای کلام استفاده نکرده‌اند (مطلوب، ۱۹۷۸ م: ۹۳، ۹۲) در مقایسه میان بلاغت دانان عربی در شیوه پرداخت به مسائل زبان‌شناسی، مطالعات بلاغی را با هسته‌اولیه مطالعات دستوری و در مسیر حرکت به سمت مباحث بلاغی می‌یابیم. در این مسیر قرآن کریم با معجزه بیانی جاویدان خود، ذوق و ادراک را از طریق خصوصیات تعبیری و بیانی در قالب پرده‌برداری از اسرار الهی دنبال کرده است. (عبدالرحمن، ۱۹۷۷ م: ۱۳) بنابراین پس از پیدایش اسلام و گسترش تفکر وحدت اسلامی در میان مسلمانان جهان، بلاغتدانان با درون‌مایه‌های اسلامی و کاربرد آن در بلاغت عربی آشنایی یافتند. این سبک‌شناسی نقدگرایانه پیش از اسلام در بلاغت‌شناسی و مخاطب‌سنجی رواج چندانی نداشت. بیشتر تفکرات شعر و ادبیات جاهلی پیش از ظهور اسلام بر مبنای برتری‌جویی‌ها شکل می‌گرفت اما با پیدایش اسلام، و ورود دیگر ملیت‌ها به عرصه‌ی پژوهش‌های بنیادین، مبنای این تفکر با محوریت قرآن کریم دستخوش دگرگونی محتوایی و مضمونی گردید و با نگاه وحدت اسلامی جدا از فخرفروشی‌ها و اختلاف طبقاتی در جامعه اسلامی مطرح گردید. بلاغت‌دانان از نگرش قرآنی به صورت‌تفراگوها در شعر خویش بهره‌مند شدند. یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌اندیشه‌های اسلامی، وحدت همگانی در برابر خداوند است که بلاغت دانان نیز مانند دیگر گروه‌ها به ریسمان وحدت الهی چنگ زدند و ایرانیان در این زمینه پیشگام بوده و طلایه‌دار فرهنگ ناب اسلامی شدند و به گفته قرآن کریم «و اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا» (آل عمران/ ۱۰۳) را در علم معانی و بیان گنجانیدند و با نگاهی نوین و در لایه‌های معنایی کلام الهی عرصه وحدت اسلامی در سایه انسانیت و به‌دوراز خصومت دست‌نویسان دنبال کردند.

۵- نتیجه‌گیری

- ۱- غالب بلاغت دانان ایرانی در حرکت به سمت شناخت معانی و مفاهیم لفظ و معنا را با یکدیگر مشاهده کرده‌اند و از سطحی‌نگری‌ها نسبت به ماهیت لغات عربی در عرصه‌های زبان‌شناسی عربی پرهیز می‌کرده‌اند.
- ۲- جهت‌راهیابی به ساخت جملات بلاغت مسیری بود که اقوام مهاجر به سرزمین‌های عربی از جمله ایرانیان باذوق سلیم در مباحث کلامی مبتنی بر لغت‌شناسی به آن دست یافتند.
- ۳- معناشناسی در زبان عربی زمانی سودمند خواهد بود که لغت‌شناسی هدفمند از طریق دلالت‌یابی‌های بلاغی مسیر زبان را هموار کرده باشد و ایرانیان در تکوین زبان عربی منطق و کلام و زبان را با یکدیگر به‌کاربرده‌اند.
- ۴- ورود تعصب‌های نژادی و تفاخر به هر زبان باعث از میان رفتن انگیزه‌های آموزش و ایجاد دل‌زدگی در فراگیران زبان می‌گردد، و برعکس ایجاد پیوند مشترک میان زبان‌آموزان با زبان مقصد ایجاد در فرایند آموزشی موجب انگیزه خواهد بود.
- ۵- نگاه به زبان عربی به‌عنوان زبان اول جهان اسلام و زبان فارسی‌زبان دوم با انگیزه آمیختگی هرچه بیشتر این دو در قالب اصطلاح «ادبیات عربی» به‌عنوان جایگزین «ادبیات عرب» با نگاهی به‌دوراز قومیت در سرفصل‌های درسی حوزه و دانشگاه باعث پیشرفت‌های آموزشی خواهد بود.

منابع و مراجع

قرآن کریم

ابن الأثیر، ضیاء‌الدین (۱۹۳۹م) *المثل السائر فی أدب الكاتب و الشاعر*، تحقیق: محمدمحی‌الدین، مطبعة مصطفى البانی الحلبي، مصر.

ابن رشيق القيرواني (۱۹۵۵م) *العمدة فی محاسن الشعر و آدابه و نقده*، تحقیق: محمد محی‌الدین عبدالحمید، الطبعة الثانية، القاهرة.

ابن فارس، أحمد (۱۹۶۴م) *الصحابی*، تحقیق: مصطفى الشويمي، بيروت.

امین، احمد (۱۳۵۱ق) *ضحی الاسلام*، بيروت، الطبعة العاشرة، دار الكتاب العربي.

پیرنیا، مشیر الدوله، آشتیانی، اقبال (۱۳۸۴) *تاریخ ایران از آغاز تا انقراض قاجاریه*، تهران، انتشارات بارانانديشه.

الجاحظ، ابوعثمان بن بحر (۱۹۶۸م) *البيان و التبيين*، تحقیق: عبدالیلام هارون، مكتبة الخانجي، الطبعة الثالثة، القاهرة.

الجواليقي، أبو منصور (۱۹۹۰م) *المعرب من الكلام الأعجمی على حروف المعجم*، تحقیق: الدكتور ف. عبدالرحيم، دار القلم، دمشق.

الخولي، أمين (۱۹۵۲م) *فن القول*، القاهرة.

الخولي، أمين (۱۹۶۱م) *مناهج تجديد في النحو و البلاغة و التفسير و الأدب*، القاهرة.

زيدان، جرجي (۱۹۶۶ق) *تاريخ آداب اللغة العربية*، بيروت، منشورات دار مكتبة الحياة.

سعيد، جميل (۱۹۵۱م) *دروس في البلاغة و تطورها*، بغداد.

السيوطي، عبدالرحمن (۱۹۲۹م) *حسن المحاضرة في أخبار مصر و القاهرة*، القاهرة.

الشايب، أحمد (۱۹۵۳م) *أصول النقد الأدبي*، القاهرة.

الصالح، صيحي (۱۹۶۰م) *دراسات في فقه اللغة*، دمشق.

العاكوب، عيسى (۱۳۷۴) *تأثير پند پارسی بر ادب عرب (پژوهشی در ادبیات تطبیقی)*، ترجمه: عبدالله شریفی خجسته،

تهران، چاپ اول، انتشارات علمی و فرهنگی.

عبدالرحمن، عائشة (بنت الشاطي)، (۱۹۷۷م). *التفسير البياني للقرآن الكريم*، دار المعارف، الطبعة الخامسة، مصر.

العسكري، أبو هلال، (۱۹۵۲م). *كتاب الصناعتين الكتابة و الشعر*، الطبعة الأولى.

العقاد، عباس محمود (۱۹۶۰م) *اللغة الشاعرة*، القاهرة.

فريد، فتحى عبدالقادر (۱۹۸۰م) *فنون البلاغة بين القرآن و كلام العرب*، منشورات دار اللواء للنشر و التوزيع، الرياض

الكرملی، ألأب أنستانس ماری (۱۹۳۸م) *نشوء اللغة العربية و نموها و اکتهاها*، القاهرة.

المبارک، محمد (۱۹۶۰م) *خصائص العربية و منهجها الأصيل في التجديد و التوليد*، القاهرة.

مطلوب، أحمد (۱۹۷۸م) *دراسات بلاغیة و نقدیة*، منشورات وزارة الثقافة و الإعلام - الجمهورية العراقية.

الرافعی، مصطفى صادق (۲۰۰۱م) *تاريخ آداب العرب*، الجزء الأول، دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان.

شادی، محمد ابراهیم (۱۹۸۸م) *البلاغه الصوتیه فی القرآن الکریم*، الشركة الإسلامية للإنتاج و التوزيع و الإعلان، الرسالة، الدقی.



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی



وزارت علوم تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

هشتمین همایش پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی

www.anjomanfarsi.ir